

دولت‌ها و مسائل عمده صنعت بیمه^۱

ترجمه فاطمه عبدالهیان

مقدمه

دولت درجه زمینه‌هایی باید بیمه‌گر یا بیمه‌گر اتکایی باشد و در کدامین عرصه باید پوشش ریسک‌ها را به‌طور کامل به عوامل بازار بسپارد؟ پاسخ، به خودی خود و بدون تعیین شرایط لازم دشوار است، زیرا دولت‌ها و فلسفه وجودی آنها در بین کشورهای مختلف و در زمان‌های مختلف تفاوت‌های اساسی دارند. دولت‌های انتخابی دموکراتیک که در آنها فعالیت بازار آزاد مجاز است، در حال حاضر بیشتر معمول شده‌اند، اما هنوز در همهٔ ۱۹۰، یا بیشتر، دولت ملی در سراسر دنیا وجود ندارند. برخی دولت‌ها با خودکامگی و گروه‌سیمی از کشورها با نوعی حکومت مارکس‌گرا اداره می‌شوند. حتی در بین دموکراسی‌های غربی نیز اختلاف نظر وجود دارد. در بعضی از کشورها، بازار بیمه اصلاً وجود ندارد؛ در برخی موارد در مراحل بسیار ابتدایی است و در نزد بعضی دیگر، بسیار پیچیده و پیشرفته. بنابراین، برای سهولت بحث دربارهٔ موضوع، روی سخن ما با دولت دموکراسی غربی، با صنعت بیمه پیچیده و پیشرفته خواهد بود که در شرایط بازار آزاد فعالیت می‌کند. ناگزیر، بیشتر مثال‌های ما نیز مربوط به بازار داخلی کشور خودمان [انگلستان] خواهد بود. بدیهی است که در صورت لزوم، چندان دشوار نخواهد بود که افکارمان را با شرایط دیگری نیز تطبیق دهیم.

1. Roger J. Taylor, *What are the major insurance issues and opportunities facing governments?* (CII International Centenary Convention, London: 11-12 March, 1997).

ارزش بیمه

اول اجازه دهید تا نظر خودم را بیان کنم. من به طور جدی بر این باورم که بیمه آینده‌ای مهم و ارزش بسیار والایی برای جامعه دارد. دولت‌های حاکم در انگلستان در دوره‌های مختلف، هر یک ارزش بیمه را به منزلهٔ اداره‌کنندهٔ اصلی تعهدات کشور و مکانیسمی برای این‌که مردم بتوانند هزینه‌های درازمدت خود را از طریق بیمهٔ بازنشستگی و دیگر انواع بیمهٔ پس‌انداز تأمین کنند، شناخته و ارج نهاده‌اند. در واقع، مطمئنم که شما با گفتهٔ وینستون چرچیل در این خصوص موافق هستید که: «اگر می‌توانستم به خواستهٔ خود عمل کنم، عبارت بیمه‌کنید را روی در، روی هر کلبه، روی هر دفتر روزنامه و بالای سر هر کارمند دولت می‌نوشتم، زیرا اطمینان دارم که فقط با فدا کردن مبالغی واقعاً جزئی، امنیت خانواده‌ها تأمین می‌شود». گزارش ABI در سال ۱۹۹۵ که پرایس واتر هاوزس تهیه کرده از این هم فراتر رفته است:

بیمه: خدماتی که بیمه فراهم می‌کند برای ادارهٔ اقتصاد امروزی حیاتی است. بیمه، اشخاص و مؤسسات اقتصادی را قادر می‌سازد تا آثار زیان‌هایی را که حوادث و اتفاقات در زمان‌های آینده موجب می‌شوند به حداقل برسانند. بیمه هم‌چنین، بیمه‌گذاران را قادر می‌سازد تا بودجهٔ خانوار یا فعالیت‌های اقتصادی را با امنیت بیشتری برنامه‌ریزی کنند. به سادگی می‌توان گفت که بدون وجود بیمه، بسیاری از جنبه‌های اقتصاد بازار آزاد، جامعهٔ عمل نخواهد پوشید.

نقش دولت (نظریه)

همهٔ ما با نقش بیمه آشنا هستیم اما از نقش دولت چه برداشتی داریم؟ از نظر اصولی، برای دولت مسائل زیر مورد توجه است:

۱. ایجاد ثروت

۲. بالا بردن سطح زندگی

۳. تأمین آتیه

برای دستیابی به این هدف‌ها، دولت ابزارهای متعددی در اختیار دارد:

— ایجاد شرایط و محیط اقتصادی بالنده و مولد

— به‌کارگرفتن قوانینی که جامعهٔ پیشرفته و بافرهنگی برای اکثر افراد فراهم کند

— توزیع هزینه‌های خدمات (هزینه‌های اشاره شده در این بند، مربوط به بهداشت و

درمان، بیکاری، فقر، مستمری، پژوهش‌های علمی، آموزش و پرورش، حمل و نقل و دفاع

است. در این حیطة، بین عملکرد دولت و عملکرد صنعت بیمه تشابه وجود دارد). تفاوت کلیدی که در شیوه برخورد این دو با موضوع وجود دارد این است که دولت، میزان مشارکت فرد در مجموعه را باتوانایی وی در پرداخت (مالیات) می‌سنجد، درحالی که بیمه‌گر، فرد را براساس میزان ریسکی که ایجاد می‌کند (حق بیمه)، ارزیابی می‌نماید.

نحوه ارزیابی مشارکت

دولت: از راه توانایی پرداخت

بیمه: از راه درجه ریسکی که ایجاد می‌شود

با در نظر گرفتن محدودیت‌های زیر، از دید نظری، هیچ توزیع ریسکی وجود ندارد که نتوان آن را از طریق صنعت بیمه اعمال کرد.

محدودیت بیمه‌گران

— اندازه

— توانایی قیمت‌گذاری

— اثر و تبعات منفی اجتماعی

الف) اندازه: صنعت بیمه و بیمه اتکایی در سراسر دنیا، سرمایه محدودی دارند و نخستین مسؤولیت آن‌ها در مورد سهام‌داران خود، یعنی صاحبان سرمایه است. احتراز از ریسک و رشکستگی به علت تجمع خسارت از یک واقعه، در بین سایر موارد، یکی از نخستین نکات مورد توجه هر مؤسسه بیمه‌ای است که محتاطانه اداره می‌شود.

ب) توانایی قیمت‌گذاری: اندازه به‌خودی خود به ندرت عامل اصلی در تصمیم‌گیری و تمایل صنعت بیمه برای پذیرفتن یک ریسک خاص یا عدم تمایل به پذیرش و حذف آن بوده است. بیمه، صنعت انعطاف‌پذیری است و هر زمان که در درازمدت موقعیت و سودی برای سهام‌داران مشاهده شده، واکنش سریع مثبت داشته است. ولی به هر حال بیمه، مدیریت وقایع اتفاقی است و هرچه این وقایع تکرار بیشتری داشته باشند، ارزیابی و قیمت‌گذاری آن‌ها آسان‌تر خواهد بود. نکته مهم، استقلال این وقایع از یکدیگر است، یعنی آیا می‌توان احتمال وقوع یک حمله تروریستی را از نظر آماری پیش‌بینی کرد درحالی که این واقعه خود از اقدام‌ها و اعمال دولت تأثیر می‌پذیرد؟ موضوع ناتوانی در محاسبه قیمت به‌طور علمی (و میزان و اندازه زیان و خسارت احتمالی)، خود باعث شد که بخش اعظمی از پتانسیل پوشش خطر تروریسم در صنعت بیمه انگلستان حذف شود.

ب) اثر و تبعات منفی اجتماعی: نکته این است که تکنولوژی، که در حال حاضر برای محاسبه و انتخاب ریسک در دسترس قرار گرفته است، در تناقض با اصول اولیه مورد نظر بیمه‌گران عمل می‌کند. تشخیص این که چه ساختمان‌هایی بیشتر در معرض سیل یا لغزش زمین قرار دارند و یا حتی این که کدام یک بیشتر در معرض طوفان یا دزدی قرار دارند، روزه‌روز آسان‌تر می‌شود. ما باید اطمینان حاصل کنیم که میزان مشارکت هر فرد متناسب با ریسکی است که ایجاد می‌کند، ولی باید برای برقراری موازنه مراقبت گردد تا از ایجاد گروهی ریسک‌های بیمه‌ناپذیر که عملاً بیمه کردن آن‌ها غیراقتصادی باشد، جلوگیری شود.

نقش دولت (در عمل)

البته آنچه از لحاظ نظری بیان شد، لزوماً در عمل اتفاق نمی‌افتد. در انگلستان ریسک‌هایی که دولت می‌پذیرد به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند: بیمه تأمین اجتماعی و حوادث و بلایای فاجعه‌آمیز.

الف) بیمه تأمین اجتماعی: ایجاد دولت رفاه گستر در سال ۱۹۴۸، سرآغاز این بود که فعالیت بیمه‌های مؤسسات اجتماعی و بیمه‌گرانی که انواع ابتدایی بیمه‌های اجتماعی را (آنچه لوید جرج معرفی کرده بود) ارائه می‌کردند، زیر نظر دولت قرار گیرد. این بیمه‌ها شامل مزایای زیادی از قبیل بازنشستگی، بیکاری و بیماری می‌شد.

ب) حوادث و بلایای فاجعه‌آمیز: دولت ریسک‌های بزرگی را که احساس می‌شد هیچ بیمه‌گری در بخش خصوصی قادر به تحمل وزن آن نیست، پذیرفته بود. این موارد شامل ریسک‌های سیاسی، تروریستی و برخی از بلایای طبیعی می‌شد. در برخی موارد، ترتیبات داده شده کاملاً رسمی هستند، مانند ایجاد اداره ضمانت اعتبارات صادراتی؛ ولی در برخی دیگر، این ترتیبات کمتر رسمی هستند. برای مثال، دولت پرداخت‌هایی به قربانیان سیل انجام داده و در برخی موارد مخارج و هزینه‌های پاک‌سازی آلودگی‌های محیط را به عهده گرفته است.

پیروی از مکتب «تاچر»

از سال ۱۹۷۹ دولت انگلستان، در بسیاری از زمینه‌ها، سیاست کاهش فعالیت و اندازه بخش دولتی را در پیش گرفته است. دلایل اقدام به این شرح بوده است:

– انتخاب مشتری

– کارایی

- قیمت

- سرعت تطبیق با بازار

این موضوع در خصوص صنعت بیمه نیز صادق است؛ جایی که تا حدودی شعار «رقابت در جایی که امکان دارد، نظارت و کنترل در جایی که ضرورت دارد»، اعمال شده است. در رشته بیمه‌های زندگی، شاهد ایجاد سازمان‌های نظارتی، تحت قانون «خدمات مالی» بودیم. در رشته بیمه‌های عمومی، اصل «حداقل دخالت و درگیری» در اجرای موفقیت‌آمیز روش کنترل و نظارت، که در آن حفظ قدرت پرداخت شرکت‌های بیمه و خودکنترلی آن‌ها مورد تأکید قرار دارد، بازتاب یافته است (که این خود بر روش و دستورالعمل انجمن بیمه‌گران انگلستان پایه‌گذاری شده است). از سال ۱۹۷۹ دولت انگلستان اقدام‌هایی را در خصوص میزان دخالت این صنعت به عمل آورده است. به ترتیب جدایت، این موارد به شرح زیر بوده است:

افزایش دخالت دولت	<p>گزینه‌های دولت انگلستان برای میزان دخالت</p> <ul style="list-style-type: none"> - تشویق رقابت و عدم دخالت مستقیم. - تشویق رقابت با دخالت غیرمستقیم حفاظت از منافع عمومی برای مثال: - شرایط عدم اعسار، نحوه عمل و خود سامان‌گری^۱ و برنامه‌های حمایت از بیمه‌گذار. - رقابت در چارچوب یک نسخه مشخص نحوه عملکرد قانونی (۱۹۸۶). - اقدام به صورت بیمه‌گر نهایی در مورد بیمه اتکایی. برای مثال، در مورد تروریسم. - ارائه پشتیبانی بیمه‌ای دولت. برای مثال، رفاه عمومی و بیمه ریسک جنگ. 	افزایش ریسک مشتری
-------------------------	--	-------------------------

آینده

واضح است که دخالت دولت در صنعت ما، بر سر دو راهی است. اعتقاد شخص من این است که دولت و بیمه‌گران باید با یکدیگر به جاده در پیش خود بنگرند؛ هیچ‌یک توانایی این را که تنها به پیش برود ندارد.

امروز ما درباره فشارهای بسیار زیادی که به دولت وارد می‌شود تا به سمت کاهش دخالت‌گرایی پیدا کند، چیزهایی شنیده‌ایم. از دیگر سو، دولت‌ها هم‌چنان تمایل خواهند داشت که تأمین آتیۀ بیمه‌گذار حفظ شود، پوشش‌های بیمه‌ای همگانی با قیمت مناسب و اقتصادی ارائه گردند و از ورشکستگی بازار احتراز شود. پرسشی که برجای می‌ماند این است که موازنه بین این خواسته‌ها در کجا برقرار می‌شود؟ ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی